مالچ‌پاشی راه‌حل یا معضل؟

این روزها موضوع مالچ‌پاشی نفتی در خوزستان به یکی از سوژه‌های داغ زیست محیطی بدل شده است. عملیاتی که همواره مخالفان سرسختی داشته است، با این حال مالچ نفتی پس از حدود چهار سال توقف در خوزستان، سر از ماسه‌زارهای «خسرج» در غرب رود کرخه درآورده، درحالی که گفته می‌شود، ریگ‌زارها (تپه‌های ماسه‌ای) در خوزستان به مالچ‌پاشی نیازی ندارند و نباید با چنین اقداماتی، اکوسیستم مرطوب‌ترین ریگ‌زار کشور را، به‌عنوان دارنده منحصربه‌فردترین گونه‌های جانوری نابود کرد.

خاک، زیستگاه بخش عظیمی از موجودات زنده زمین و یکی از منابع مهم و اساسی در تأمین احتیاجات و نیازهای اولیه و ضروری انسان است و تخریب آن سبب ایجاد خسارات فراوانی به جنبه‌های مختلف زندگی موجودات زنده می‌شود. فرسایش بادی یکی از عوامل مهم تخریب خاک به شمار می‌رود. این نوع فرسایش، یک فرآیند طبیعی است که در خاک‌های لخت، با سرعت زیاد باد و پوشش گیاهی کم رخ می‌دهد و بیش از یک سوم سطح زمین‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این فرآیند در اثر فعالیت مکانیکی باد موجب تخریب سطح خاک، سست شدن، برداشت خاک سطحی و به دنبال آن، هجوم ماسه‌های روان و خسارات فراوان به جنبه‌های مختلف زندگی انسان می‌شود.

براساس داده‌های مطالعاتی منتشرشده در رسانه‌ها، ۳۰ میلیون هکتار در کشورمان تحت تأثیر فرسایش بادی است و ۱۴ میلیون هکتار از این مساحت کانون‌های خسارت‌زای فرسایش بادی‌اند. خوزستان هم دارای ۱/۲ میلیون هکتار اراضی بیابانی و کانون ریزگرد در خوزستان است که ۳۵۰ هزار هکتار آن زار یا کانون فرسایش بادی است و مقرر شده ۹۰۰ هکتار از اراضی غرب کرخه مالچ‌پاشی نفتی شود. جمال موسویان، رئیس منابع طبیعی خوزستان در پاسخ به علت مالچ‌پاشی در غرب کرخه، می‌گوید: «این مالچ‌ها باعث پیوستگی و چسبندگی ذرات ماسه می‌شود و کاری می‌کند که بعد از فرسایش بادی و حرکت باد، ماسه‌ها بلند نشوند و حرکت نکنند.»

بنا برگفته صاحب‌نظران، «برای کاهش خسارات ناشی از هجوم ماسه‌های روان معمولا از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. یکی از این روش‌ها پوشش سطح خاک توسط مواد مختلف تحت عنوان مالچ است و یکی از رایج‌ترین مالچ‌های مورداستفاده در ایران از دهه ۴۰ تاکنون، مالچ نفتی است که از فرآورده‌های سنگین نفتی تشکیل شده و پس از ذوب با دستگاه‌های مخصوص روی ماسه‌های روان پاشیده می‌شود. مواد نفتی به‌طور طبیعی به‌سختی تجزیه می‌شوند و برای مدت طولانی در محیط باقی می‌مانند.» تاکنون نظرات متفاوتی درارتباط با تأثیر استفاده از مالچ نفتی بر خصوصیات خاک و محیط زیست بیان شده است که ضرورت بررسی دقیق‌تر تأثیر مالچ نفتی بر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک را بیان می‌دارد. به‌هرروی این پروژه که به منظور جلوگیری از پخش ریزگردها و جلوگیری از فرسایش خاک صورت می‌گیرد، همواره مخالفان سرسختی داشته است و بسیاری از کارشناسان محیط زیست معتقدند مالچ‌پاشی، فرار از فرسایش خاک به قیمت نابودی محیط زیست است. به گفته آن‌ها حتی یک نمونه موفق تثبیت ماسه با مالچ‌پاشی در تپه‌های ماسه بادی فعال در کشور وجود ندارد؛ «یکی از مناطق فعال و بیابان‌های داخلی جهان که انرژی باد بسیاری دارد سیستان است که در آن منطقه به علت شدت باد که مانع از رشد گیاه می‌شود، تنها راه جلوگیری از حرکت ماسه به سمت روستاهای مسکونی استفاده بسیار محدود از مالچ است و در دیگر نقاط کشور همچون کاشان و ۲۲۷ هزار تپه ماسه‌ای در ریگ خوزستان که منطقه حفاظت‌شده و محل زندگی افعی شاخ‌دار است و آهو در آن زندگی می‌کند و بهره‌برداران گوسفندان خود را برای تغذیه به این ریگ می‌آورند نباید مالچ پاشیده شود چون سفره آبی که دامدار آب دام خود را از آن تأمین می‌کند و گوشت آن را مردم استفاده می‌کنند آلوده می‌شود.»

به همین دلیل است که با ازسرگیری مالچ‌پاشی نفتی در شن‌زارهای غرب کرخه در استان خوزستان که از سال ۹۸ در پی اعتراض فعالان و کارشناسان محیط زیست و مردم منطقه متوقف شده بود، باری دیگر انجمن‌های محیط زیستی خوزستان را به اعتراض واداشته و آن‌ها توقف مالچ‌پاشی نفتی در خوزستان و ورود مراجع قضائی برای پایان دادن به این عملیات را خواستار شده‌اند.

احمد زالی، فعال محیط زیست و نماینده حقوقی انجمن محیط زیست شوش در این باره به ایرنا می‌گوید: در حال حاضر مالچ پاشی در غرب کرخه در حال انجام است، درصورتی که اکوسیستم بیابانی و نیمه بیابانی در خوزستان منحصربه‌فرد است و ماهواره‌ای این اراضی شن‌های روان و کانون فعال فرسایش بادی است. ماتشخیص می‌دهیم که این عرصه‌ها نیازبه مالچ پاشی دارد یا خیر. چرا آن‌هایی که تخصص ندارند دخالت می‌کنند؟ هنوز بیش از ۴۰ هزار هکتار ماسه‌زار در خوزستان داریم که تثبیت نشده و درصورت معرفی مالچ جایگزین در دستور کار قرار دارد. البته امسال آخرین سال مالچ نفتی است و از سال آینده باید مالچ جایگزین معرفی شود.

موسویان توضیح می‌دهد که «ما می‌خواهیم همه دوستداران محیط زیست و فعالان فضای مجازی را به ۵۰ سال پیش برگردانیم که در آن زمان تپه‌های ماسه‌ای روان، هیچ گونه پوشش گیاهی نداشت و زمین‌های کشاورزی و جاده‌ها و خطوط نیرو با هجوم شن‌های روان مواجه بود و روستاها متروکه شده بود. از آن زمان تا کنون با مالچ پاشی و در ختکاری ۷۰ هزار هکتار در پنج شهرستان، توانستیم دو میلیون درخت را مستقر کنیم. ماسه‌زارها تثبیت شده و جنگل‌های دست کاشت اکنون به محلی برای زندگی انواع پرندگان و حیواناتی مثل و روباه و خرگوش تبدیل شده است. درحالی که هیچ‌کدام از این‌ها قبلا در این منطقه نبود.»

او می‌گوید: «نمونه مالچی که استفاده می‌کنیم محصول پالایشگاه تهران یا آبادان نیست و تولید یک شرکت خصوصی در تهران است. این مالچ آخرین مشتق نفت و فاقد مواد سمی و آروماتیک است. طبق مطالعه‌ای که در سال ۱۴۰۰ توسط دانشگاه تهران انجام شده، مالچ نفتی مورداستفاده در خوزستان، در سلامت انسان و موجودات مضر تشخیص داده نشد و کارکردهای آن برای مهار ریزگردها مثبت ارزیابی شده است. از سوی دیگر تا کنون هیچ نوع مالچ جایگزین معرفی نشده است و همه در حد پایلوت بوده است.»

توقف مالچ پاشی بر پایه مازوت

«درگذشته مالچ نفتی بر پایه مازوت تهیه می‌شد. مازوت ترکیبات آروماتیک، فرار و مواد اوکسیژنه و چرب دارد و محصول ارائه‌شده از سوی پالایشگاه‌های دولتی مورد نقد جدی سازمان منابع طبیعی بود. در حال حاضر پروژه مالچ‌پاشی به طورکلی از پایه مازوت تغییر پیدا کرده و براساس «وکیوم باتوم» که از ماده اولیه قیر است، تهیه می‌شود.» این اظهارات وحید جعفریان، مدیرکل امور بیابان و مراتع سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور است، که تأکید می‌کند: «ازنظر فنی این موضوع بسیار مهم است چراکه وکیوم باتوم ماده‌ای است که در دمای بالا در شرایط خلأ در برج تقطیر در پالایشگاه‌ها ایجاد می‌شود و ماده‌های فرار و مضر که ممکن است در طبیعت اثراتی سوئی داشته باشد را حذف کرده است و در سطوح قابل توجهی در صنعت، کشاورزی، راه‌سازی، زندگی شهری و روستایی استفاده می‌شود و به لحاظ اینکه مواد مبتنی بر پایه وکیوم باتوم و قیر از دیرباز در توسعه منابع زیست انسانی کاربرد داشتند، تحقیقات بسیار گسترده‌ای درباره اثر آن‌ها بر سلامت انسان و محیط زیست از حدود ۱۰۰ سال گذشته تا کنون انجام شده است بنابراین وکیوم باتوم و قیر قابل مقایسه با سایر مواد نیست.»

به اذعان جعفریان توقف مالچ‌پاشی بر پایه مازوت و اصلاح ترکیب مالچ نفتی مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی موضوعی است که نباید از آن غفلت کرد. واقعا انقلابی در زمینه ارتقای کیفیت مالچ نفتی چه ازنظر اثربخشی در ارتباط با احیای پوشش گیاهی چه ازنظر تقلیل خسارت‌های احتمالی به محیط زیست صورت گرفته است.

جعفریان در سخنانش به این نکته هم گریزی می‌زند که انجام عملیات مالچ‌پاشی در خارج از محدوده مناطق چهارگانه محیط زیست صورت گرفته و این یکی از خط قرمزهای روشن در این حوزه است. اولویت‌بندی و امکان‌یابی اجرای عملیات مالچ‌پاشی براساس مطالعات مربوطه در سطح ۶۷ هزار هکتار از شن‌زارهای خسارت‌زای اولویت‌دار در کشور انجام می‌شود که در سال ۹۸ تعیین شده است.

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که اداره کل محیط زیست استان خوزستان به صراحت مخالفت خود را با مالچ‌پاشی نفتی اعلام کرده است، چراکه مالچ پاشی دروغی بزرگ برای مبارزه با ریزگردها است و کارشناسان گیاه‌شناسی معتقدند: «گیاهان ارزشمندی در کویرهای کشور داریم که از اعماق تاریخ تا کنون با کویر کنار آمده‌اند و مردم هم از آن استفاده می‌کردند و به کویر استفاده می‌رساندند و تثبیت کننده‌های طبیعی خوبی هستند. همچنین گربه‌شنی موجودی است که با خوردن بذر چهارگونه گیاه و دفع آن بیابان زدایی می‌کند.»

آن‌ها تأکید می‌کنند: «شنزارها نقش آبخوان را دارند و ریزش‌های جوی را در خود ذخیره می‌کنند و این ذخیره از طریق چشمه‌سار، قنات، حفر چاهک یا چاه در اختیار مردم بیابان‌نشین قرار می‌گیرد اما قیرپاشی در کنار حفظ رطوبت موجود در شن از نفوذ ریزش‌های جوی به درون شنزار جلوگیری و شنزار را از عملکرد طبیعی خود خارج می‌کند و پس از حدود پنج سال با متلاشی شدن لایه قیر ریزش‌های جوی مسموم شده به درون شنزار نفوذ می‌کند.»

پوشش گیاهی بومی تثبیت کننده شنزار است

«شنزارهای خوزستان کانون ریزگرد نیستند و این موضوع باید پیگرد قانونی داشته باشد و افرادی که در این زمینه خود سرانه مالچ پاشی می‌کنند تحت تعقیب قضائی قرار گیرند.» کرامت حافظی از دیگر فعالان محیط زیست خوزستان ضمن تأکید بر این عبارت با یادآوری اینکه استان خوزستان بالاترین تنوع زیستی خاورمیانه را به علت تنوع زیستگاه در خود دارد، بیان می‌کند: «این استان محل زیست بیش از ۴۰۲ گونه پرنده، ۷۷ گونه پستاندار، ۸۵ گونه خزنده، پنج گونه دوزیست، ۵۶ گونه ماهی آب‌های داخلی و ۹۰۰ گونه ماهیان خلیج‌فارس است. زیستگاه شنزارهای خوزستان یکی از منحصربه‌فردترین اکوسیستم‌های کشور است که گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری ارزشمندی دارد به طور مثال گونه‌هایی از خزندگان مانند آگامای سروزغی اهواز و گکوی انگشت سه وجهی پارسی گونه‌هایی هستند که پراکنش جهانی آن‌ها فقط محدود به شنزارهای غرب کرخه در خوزستان است و در هیچ جای دیگر جهان یافت نمی‌شوند و این امر نیز زیستگاه شنزارهای غرب این استان را منحصربه‌فرد کرده است. همچنین گونه‌های مهم دیگری مانند افعی شاخدار عربی (گاسپرت)، گکوی انگشت‌شانه‌ای دوریا، کرم سوسمارزارودنی، اسکینک شنزار و... فقط در شنزارهای خوزستان یافت می‌شوند.»

همه این تنوع زیستی گیاهی و جانوری نشان دهنده اهمیت فراوان زیستگاه شنزارهای این استان است که باید برای آن برنامه ریزی حفاظتی جامعی اجرا شود و از هرگونه تغییر و دست‌اندازی و مداخله بشری آن را حفظ کرد، از این رو کرامت حافظی، اقدامی که در این منطقه در حال انجام است را فاجعه‌بار و دردناک توصیف می‌کند؛ «منطقه‌ای با این همه اهمیت، اسیر مرگ با مالچ نفتی و کاشت گونه گیاهی مهاجم (کهور آمریکایی) شده است و بدترین اقدام‌ها در راستای نابودی تنوع زیستی منحصربه‌فرد آن در حال انجام است.» حافظی در ادامه توضیح می‌دهد: علیرغم اینکه هیچ شکایتی از شنزارهای خوزستان وجود ندارد ولی به این بهانه دروغین که کانون ریزگرد هستند، بودجه‌هایی به منظور مالچ پاشی هزینه شده، درحالی که شنزارهای خوزستان کانون ریزگرد نیستند. از سوی دیگر حرکت شن‌های روان منطقه بسیار اندک است و هیچ تأسیساتی در دل شنزارهای خوزستان نیست که برای تثبیت آن نیاز به چاره‌جویی باشد، یعنی هیچ گونه مشکلی در این منطقه وجود ندارد که حالا به دنبال راه چاره مانند مالچ پاشی باشند و از این منظر باید افرادی که هزینه‌های کلانی برای مالچ پاشی با بودجه منابع طبیعی انجام می‌دهند، محاکمه کرد و در عین حال پرسید: «چرا بودجه‌های بیت‌المال را تلف می‌کنند؟» نهادهای نظارتی هم باید عملکرد این مدیران را که برای دولت و مملکت آن‌هم در اوج مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها خرج‌تراشی می‌کنند، پایش کنند و برخورد قضائی لازم در این خصوص انجام شود. این فعال محیط زیست معتقد است: تنها اقدامی که منابع طبیعی این استان می‌تواند برای حفظ اکوسیستم شنزارها انجام دهد، آن است که جلوی چرای بی‌رویه دام را بگیرد چراکه منطقه پوشش گیاهی ارزشمندی دارد که خود این پوشش گیاهی بومی تثبیت کننده شنزار است. مالچ پاشی با ایجاد چسبندگی و آلودگی بلای جان زیستمندان شنزار در استان خوزستان است که با خزیدن و پنهان شدن در شنزار خود را از گرمای منطقه در امان نگه می‌دارند؛ خزندگان مانند افعی شاخدار عربی و اسکینک ماهی به نحوی در شن‌ها غوطه‌ور می‌شوند که گویی در آن شنا می‌کنند؛ حال اگر این شن با هر نوع مالچی سفت شود، دیگر این امکان برای خزندگان فراهم نیست و آن‌ها نمی‌توانند در گرمابه زیر شن‌ها که خنک‌تر هستند، بروند و دمای بدن خود را تنظیم کنند و به دلیل گرمای هوا از میان می‌روند.

مرکز پژوهش‌های مجلس سال ۱۳۹۹ هم در گزارشی با عنوان «بررسی آثار زیست محیطی ناشی از مالچ پاشی در منطقه بیت کوصر» نسبت به تأثیرات منفی زیست محیطی اجرای این طرح بر اکوسیستم و زیستگاه منحصربه‌فرد ماسه‌زارهای این منطقه در خوزستان هشدار داده و آورده است؛ مالچ پاشی نفتی یکی از روش‌های رایج تثبیت ماسه‌های روان در طول بیش از ۵ دهه گذشته در ایران بوده است، اما آثار زیانبار زیست محیطی عملیات مالچ پاشی بر گیاهان، جانوران و اکوسیستم منطقه، باید مورد توجه مسئولان ذی‌ربط قرار گیرد.

چه باید کرد؟

طی سالیان اخیر مقالات و اظهارنظرهای مختلفی در این باره مطرح شده است و پیش‌تر فعالان محیط زیست در گفت‌وگو با «ما» تأکید کرده بودند: ضرر عملیات مالچ پاشی به‌عنوان یک راهکار مقابله‌ای با پدیده ریزگرد، بیش از فایده آن است. عباس محمدی از جمله این فعالان است که سابق بر این در مصاحبه با «رسالت» بیان کرده بود: «در اینجا یک بحث کلی وجود دارد و آن این است که گاهی ما فکر می‌کنیم طبیعت طراحی اش اشتباه است و بشر که در اینجا جامعه مهندسی ایران است باید آن را اصلاح کند. درصورتی که واقعیت این طور نیست. این طبیعت میلیون‌ها سال تکامل پیدا کرده و جای هر چیزی کم و بیش در آن مشخص است. بشر در این بین دست کاری زیاد می‌کند که یک بخشی از این دست کاری‌ها لازم ولی بخش زیادی از آن افراطی است و باعث تخریب و آلودگی غیرضروری طبیعت می‌شود. یک مصداق از این دست کاری‌های افراطی، موضوع مالچ پاشی است. ما در موضوع ریزگرد یا گرد و غبار با زیاد شدن طوفان شن و ماسه به جای علت‌یابی و برطرف کردن علت‌ها درحال مبارزه با معلول هستیم. واقعیت این است که اگر موضوع ریزگردها باشند، بخش عمده آن به خشک شدن تالاب‌های جنوب غربی ایران یعنی خوزستان و ایلام برمی‌گردد و این‌ها عمدتا مربوط به تالاب هورالعظیم و مجموعه تالاب‌های جنوب غرب عراق می‌شود که خشک شدن و صدمه دیدن بخش زیادی از این تالاب‌ها منجر به بلند شدن ریزگرد شده است. اگر موضوع شن باشد قضیه‌اش فرق می‌کند. در مناطقی که طوفان شن می‌شود و بعضی از روستاها و جاده‌ها را می‌پوشاند این‌ها و لامحدود است و مثل ریزگرد نیست که تا یک فضای چند صد کیلومتری پیشروی کند، درثانی در قسمت‌هایی که پوشش گیاهی اطراف شنزار یا داخل خود شنزارها وجود دارد این طوفان‌ها به حداقل می‌رسد در نتیجه برای رفع این مشکل باید درجهت احیای پوشش گیاهی طبیعی کار بشود. حال فرض کنیم پوشش گیاهی را نمی‌توان به این راحتی احیا کرد و سال‌ها طول می‌کشد، سؤال من این است که شما با کدام عقل سلیم از ماده‌ای که کاملا غیرطبیعی است که ضررش برای سلامتی صدها بار از دانه شن بیشتر است استفاده می‌کنید؟ اینکه شما بیایید مشتقات نفت را که از نفت خام بسیار بدتر است روی زمین بریزید جز اینکه فاتحه محیط زیست و گیاهان و جانوران و مردم آن منطقه را بخوانید چیز دیگری نیست. این نفت بعضا تبخیر شده و وارد ریه مردم می‌شود و بقایای آن نیز به شکل گلوله‌های سمی رسوب کرده و برای مدت بسیار طولانی باقی می‌ماند و کل اکوسیستم را به هم می‌ریزد. درحال حاضر تنها کشور دنیا که هنوز مالچ نفتی دارد، ایران است. این کار پنجاه شصت سال پیش در یک مقطعی در شوروی سابق باب بود و سپس در ایران نیز این کار را انجام می‌دهند و تا الآن هم ادامه دارد.»

این فعال محیط زیست درخصوص راهکارهای جایگزین مالچ پاشی نفتی گفته بود: «جایگزین‌هایی برای مالچ نفتی وجود دارد که کم‌وبیش صحبتش می‌شود. مالچ‌های گیاهی یعنی بقایای گیاهی و خرده چوب یکی از این جایگزین‌هاست که گفته می‌شود اگر بر روی خاک یا شن ریخته شود سبب تثبیت آن می‌شود. اما واقعیت این است که چون در ایران نفت فراوان است و مالچی که می‌پاشند درواقع فضولات پالایشگاه است و دیگر هیچ کاری با آن نمی‌شود کرد، پیمانکار می‌آید بابک قیمت بسیار نازلی این‌ها را می‌خرد و باقیمتی گزاف می‌فروشد تا با ماشین‌هایشان آن را در طبیعت بپاشند. آدم وقتی از نزدیک حیوانات و خزندگان و پرندگانی را می‌بیند که چه طور در قیر گیر افتاده‌اند و زیر آفتاب سوزان از گرما می‌میرند گریه‌اش می‌گیرد. حتی گیاهانی نیز که روی آن‌ها مالچ پاشیده می‌شود به شکل خیلی بدی خشک می‌شوند و می‌سوزند. هوا نیز به شدت بوی نفت می‌گیرد. همه این‌ها نشان می‌دهد این کار باید جمع شود چراکه اگر گرد و خاک بخواهیم بهتر از این حجم از آسیب به محیط زیست است. یکی دیگر از راه‌های جایگزین کنترل چرای دام‌هاست. پنج شش دهه است که گفته می‌شود چرای دام بیش از ظرفیت مراتع ماست. در همین شنزارها دام سه چهار برابر بیش از ظرفیت مرتع است که اگر این عدد به یک سوم یا یک چهارم برسد هم یک معیشت پایدار برای مردم است و هم گیاهان آسیب دائمی نمی‌بینند. این مالچ پاشی خودش مانع چرای دام نیز می‌شود و معیشت مردم آن نواحی را ضایع می‌کند. فیلم‌های زیادی در فضای مجازی وجود دارد که در آن‌ها دامداران گله و شکایت می‌کنند و خواستار توقف مالچ پاشی هستند. اگرچه برخی مسئولین در دفاع از مالچ پاشی آن را مفید دانسته و نهال کاری بعد از آن را دارای فوایدی ازجمله تبدیل شدن به زیستگاهی مناسب برای پرندگان می‌دانند، اما اگر این حرف صحت دارد چرا مشکل ریزگرد و شن پس از چهار پنج دهه مالچ پاشی آقایان حل نشده که هیچ هرسال هم تشدید شده است؟ اتفاقا آن نهال‌هایی هم که کاشته شده ذغال یا خشک شده‌اند. واقعیت این است که طبیعت نمی‌تواند دست کاری به این سنگینی را تحمل کند. چه کاری است که ما بریویم در طبیعت نفت بریزیم و بعد لابه لای آن نهال بکاریم؟ خب همین الآن در آنجا درختچه‌هایی است که متعلق به خود آن سیستم است. اگر ما آسیبمان را کم کنیم خود این باعث تثبیت و افزایش پوشش گیاهی می‌شود و تا حدی هم به چرای گوسفندان کمک می‌کند. صحبت از مفید بودن مالچ پاشی دروغی بیش نیست. افرادی این را می‌گویند که از اجرای این عملیات‌ها سود می‌برند. چیزی که ما می‌گوییم این است که بگذارید طبیعت به حال خودش باشد و یا به جوامع محلی کمک کنید در مدیریت آنجا شرکت بکنند.»

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شوشتر

اداره ثبت اسناد و املاک شوشتر مستندا به ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن اسامی متقاضیانی که به استناد قانون تعیین تکلیف مذکور تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت نموده اند و هیئت حل اختلاف برابر آراء تصرفات مالکانه و بلامعارض آنها را محرز تشخیص داده جهت اطلاع عموم در دو نوبت بشرح ذیل آگهی می نماید.

بخش چهار

۱- پلاک ۸۳ واقع در بخش چهار شوشتر به مساحت ۷۹۶۵۹/۷۴ مترمربع تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای عبدالامیر قنطاب پور خریداری از مهدی قنطاب پور قسمتی از پلاک مزبور که برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۱۱۰۰۱۶۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۸/۸ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی در آمده و در هیئت قانون تعیین تکلیف مالکیت وی محرز گردید.

۲- پلاک ۸۳ واقع در بخش چهار شوشتر به مساحت ۷۶۰۵۶/۸۵ مترمربع تصرفات مالکانه و بلامعارض عبدالامیر قنطاب پور فرزند جابر خریداری از مهدی قنطاب پور قسمتی از پلاک مزبور که برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۱۱۰۰۱۶۰۳ مورخ ۱۴۰۲/۸/۸ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی در آمده و در هیئت قانون تعیین تکلیف مالکیت وی محرز گردید.

۳- پلاک ۸۳ واقع در بخش چهار شوشتر به مساحت ۸۴۱۱۴/۷۲ مترمربع تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای عبدالامیر قنطاب پور فرزند جابر خریداری از وراث جابر قنطاب پور قسمتی از پلاک مزبور که برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۱۱۰۰۱۶۰۵ مورخ ۱۴۰۲/۸/۸ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی در آمده و در هیئت قانون تعیین تکلیف مالکیت وی محرز گردید.

۴- پلاک ۸۳ واقع در بخش چهار شوشتر به مساحت ۹۳۸۹۹ مترمربع تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای عبدالامیر قنطاب پور فرزند جابر خریداری از عبدالنبی قنطاب پور قسمتی از پلاک مزبور که برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۱۱۰۰۱۶۰۶ مورخ ۱۴۰۲/۸/۸ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی در آمده و در هیئت قانون تعیین تکلیف مالکیت وی محرز گردید.

۵- پلاک ۸۳ واقع در بخش چهار شوشتر به مساحت ۱۱۹۵۷۲/۴۷ مترمربع تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای عبدالامیر قنطاب پور فرزند جابر خریداری از عبدالنبی قنطاب پور قسمتی از پلاک مزبور که برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۱۱۰۰۱۶۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۸/۸ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی در آمده و در هیئت قانون تعیین تکلیف مالکیت وی محرز گردید.

۶- پلاک ۸۳ واقع در بخش چهار شوشتر به مساحت ۱۰۹۴۳۹/۶۳ مترمربع تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای عبدالامیر قنطاب پور فرزند جابر خریداری از عبدالنبی قنطاب پور قسمتی از پلاک مزبور که برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۱۱۰۰۱۵۹۶ مورخ ۱۴۰۲/۸/۲ بصورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی در آمده و در هیئت قانون تعیین تکلیف مالکیت وی محرز گردید.

چنانچه اشخاص ذینفع به آراء اداره اعتراض داشته باشند میبایست از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک تسلیم و رسید آن را اخذ همچنین معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تنظیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نموده و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تحویل نماید درصورتی که اعتراض در موعد مقرر قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۱۰/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

منصور فتیری نیا
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شوشتر

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی رفسنجان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام متقاضی صادر خواهد شد.

۱) آقای شکوه عبادالهی زارع فرزند بنامعلی در شنداگ مغازه به مساحت ۲۲،۱۷ مترمربع پلاک شماره ۷ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۱۴۰ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی شهربه ادرس: خیابان انقلاب حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی عباس تقوی رشیدی (۱۴۰۲۰۲۹۵)

۲) آقای مهرداد تقوی رشیدی زاده فرزند جواد در شنداگ مغازه به مساحت ۹،۱۰ مترمربع پلاک شماره ۸ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۱۴۰ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی شهربه ادرس: خیابان انقلاب حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی عباس تقوی رشیدی (۱۴۰۲۰۲۹۶)

۳) آقای علی اسکندری زاده فرزند علی محمد در شنداگ خانه به مساحت ۲۶۸،۷۱ مترمربع پلاک شماره ۱ فرعی از ۱۶۳ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی شهر به ادرس: خیابان امام کوچه ۳۵ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی علی اصغر اسکندری (۱۴۰۲۰۱۰۴۱)

۴) خانم فاطمه احدی لاهیجانی فرزند سیدعلی اکبر در شنداگ اعیانی خانه با عرصه وقف از موقوفه حاج باقری با تولیت عباس دردری احمدی به مساحت ۵۲۰،۴۳ مترمربع پلاک شماره ۴۰۹ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به ادرس: خیابان نشاط کوچه ۳ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی موقوفه حاج باقری با تولیت عباس دردری احمدی (۱۴۰۲۰۱۶۶۲)

۵) آقایان میلاد و بهزاد همگی محمدی مهدی آباد فرزند محمدعلی هرکدام به نسبت سه دانگ مشاع از ششدانگ اعیانی یکباب خانه با عرصه وقف از موقوفه خانم آقایی به مساحت ۲۸۳،۴۱ مترمربع پلاک شماره ۴۰۹۹ فرعی مجزی شده از ۲۱۱۰ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به آدرس خیابان دکتر حسابی حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی موقوفه خانم آقایی (۱۴۰۲۰۳۱۹)

۶) خانم زهرا ستوان فرزند محمد در شنداگ اعیانی خانه با عرصه وقف از موقوفه خاص حاج باقری به مساحت ۳۰۶،۴۸۳ مترمربع پلاک شماره ۴۱۴۷ فرعی مجزی شده از ۳۱۱۰ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به ادرس: بلوارنخل کوچه اکبری نژاد حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی موقوفه خاص حاج باقری با تولیت آقای عطاالله حاج باقری هرمزداباد ی (۱۴۰۲۰۱۲۲۷)

۷) آقای امین نژادحکم الله فرزند محمدصادق در شنداگ خانه به مساحت ۲۸۷،۳۲ مترمربع پلاک شماره ۴۱۶۷ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به ادرس: خیابان معراج شمالی کوچه ۶۴ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی فاطمه باقری (۱۴۰۲۰۱۹۷۰)

۸) آقای حامد پیرصادقی فرزند علی در شنداگ اعیانی خانه با عرصه وقف موقوفه حاج محمد شریف با متولی امیرجاهد وکیل زاده به مساحت ۱۵۳،۳۹۶ مترمربع پلاک شماره ۴۱۴۵ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به ادرس: خیابان مدرس حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی موقوفه حاج محمد شریف با متولی امیرجاهد وکیل زاده (۱۴۰۲۰۵۹)

۹) آقای امین پویه فرزند عبدالحمید در شنداگ مغازه به مساحت ۳۸،۷ مترمربع پلاک شماره ۴۰۴۵ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی شهید مصطفی خمینی بعد از کوچه ۱۳ نرسیده به چهار راه حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی طیبه معاون (۱۴۰۱۰۸۳۳)

۱۰) خانم زرکار آموز صادره فرزند حسن در شنداگ خانه به مساحت ۴۰۶،۵۷۲ مترمربع پلاک شماره ۴۰۵۷ فرعی مجزی شده از ۲۶۸ فرعی از ۱۸۱۸ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی کمال اباد به ادرس: خیابان کارگر کوچه ۲۴ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی نقی ابراهیمی (۱۴۰۲۰۴۹۰)

۱۱) آقای حسین واحدی فرزند احمد در شنداگ خانه به مساحت ۵۴۱،۸۵ مترمربع پلاک شماره ۴۰۵۸ فرعی مجزی شده از ۲۵۰ فرعی از ۱۸۱۸ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان به ادرس: خیابان ۱۵ خرداد کوچه ۸ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی حبیب الله ابراهیمی واحمد واحدی (۱۴۰۲۰۱۱۶۲)

۱۲) خانم نازنین سل